

مردی با چشمان حادثه‌ساز



محمد باوری، روزنامه نگار

هر روز صبح زندگی در مرادآباد با ترس و دلهره آغاز می شود چون هجوم سگ‌های مار به آبادی چون گذشته تنها شب‌ها اتفاق نمی افتد. سگ‌ها هر ساعت از شب یاروز در جست‌وجوی طعمه حمله را از بیشه زارها آغاز می‌کنند و در گذراز کوچه‌ها به هر جانداری یورش می‌برند تا با دندان‌های زهرآگین شان تکه پاره‌اش کنند.

گاه جنازه رقت‌انگیز کودکی یا رهگذر سالخورده‌ای در میان لاشه‌ها و اسکلت‌های پراکنده به چشم می آید که هنگام فرار از مقابل هجوم سگ‌های مار با درهای بسته خانه‌ها روبه رو شده‌اند و راه نجاتی نیافته‌اند.

در برخی خانه‌ها، کسانی دور از چشم دیگران نگهداری می‌شوند که با حمله حیوانی‌ها رزخمی آلوده به ویروس‌های برداشته‌اند و دوره پنهان ویروس را می‌گذرانند. اما وقتی ویروس به سلسله اعصاب مغز حمله می‌کند، دوره جنون آمیزی آغاز می‌شود و چنین افرادی اگر حبس نشوند، ممکن است از خانه‌ها بیرون بزنند و به دیگران حمله کنند و در حالت خفقان، با دهانی کف آلود و چشمانی جنون زده، آتشد چنگ برزمین بزنند تا مرگ‌شان فرابرسد.

وجود مبتلایان به جنون ویروس‌های در مرادآباد و افزایش این بیماران که زخم‌های پنهان در بدن دارند سبب می‌شود انسان‌ها نسبت به‌هم بیمناک شوند و هرگاه دوره‌گذر در یک کوچه به‌هم می‌رسند، هر دواز آن می‌ترسند که آن‌که از روبه‌رو می آید مبادا سگ گزیده‌ای باشد که زخمی پنهان بر تن دارد. اما مردم آبادی به‌خاطر اینکه روزها با حمله ناگهانی سگ‌های مار به مرادآباد در کوچه و خیابان غافلگیر نشوند چاره‌ای اندیشیدند. قراوانی انتخاب شدند هر روز به نوبت از صبح تا هنگام غروب بر بام خانه‌هایی در حاشیه بیشه‌زار یا بر فراز درختان بلند جنگلی نگهبانی بدهند تا هرگاه با هجوم سگ‌های مار به مرادآباد روبه رو شدند، یکباره با هم به طبل‌ها بکوبند بر شیورها و کرناها بدمند تا مردم در سراسر آبادی از هجوم سگ‌ها باخبر شوند و به‌خانه‌ها پناه ببرند.

هنگام صبح قراوان حاشیه بیشه‌زارها با کوبیدن به طبل‌ها و دمیدن به شیپور و کرنا، به مردم آبادی از هجوم سگ‌های مار وگرسنه به مرادآباد خبر می‌دهند و مرد و زن وحشت زده به خانه‌ها پناه می‌برند. پهلوان حیدر سوار بر مادیان، هراسان در مسیری که به میدان اصلی آبادی می‌رسد، می‌تازد و به زنان و مردان هشداری می‌دهد پناه ببرند به خانه‌ها، شتاب کنند و یا دیدن کودکان ترسان و کرین را کوچه بر روی اسب خم می‌شد آنها را در میان بازوان ورزیده و بلندش از کف کوچه برمی‌گرفت از آستانه در خانه‌ها به آغوش مادران می‌افتند و با هشداری فریاد کوچه را خلوت می‌کرد و به سوی میدان درخت حاجت‌می‌تاخت.

زنان و دخترانی که کنار درخت صد ساله بر شاخه‌ها لقه‌های رنگین می‌بستند با فریاد پهلوان هراسان به‌خود می‌آمنند و به داخل دکان‌ها پناه می‌برند. پهلوان حیدر از پشت سرش شیپه دردنک یک اسب را شنید و به سمت کوچه روپز گرداند. دختری را سوار بر یک اسب کهر دید که در حال لغزیدن از اسبش به پایین بود و یکی از سگ‌ها روی پایش گردن می‌کشید تا دندان‌هایش را آریضانه در شانه که به پایین خمیده بود فرو کند و سگی دیگر غرش کتان، یک ران اسب را به چنگ آورد بود تا با فرو بردن دندان‌ها در پای حیوان مانع گریزش شود. در این هنگام سگ‌های دیگر از دهانه‌کوچه می‌میدان هجوم می‌آوردند تا اسب و سوارش که در حال سقوط بر زمین بود را به چنگ بیاورند.

پهلوان حیدر که جان دختر را در خطر می‌دید، با یک نهیب رعد آسا چوب بلندی را دور سر گرداند و با همه قدرت بر سر سگ مهاجم کوبید که صدای درهم شکستن کاسه سرش بلند شد، پیش از آنکه دندان‌هایش را در پهلوی دختر جوان فرو کند لاشه‌اش بر زمین افتاد. پهلوان آنگاه دختر را بر ترک اسب کشاند و با ضربهای دیگر به کمر سگی که یک پای اسب را به دندان گرفته بود حیوان‌هار را در هم شکست و روزه‌کشان بر زمین افتاد.

سگ‌های دیگر که در این صحنه خراس کشان فرار کردند و پهلوان با استفاده از این فرصت توانست اسبش را از میدان به‌در برد.

سرقت خودرو با نواز

گروه حوادث/ سارقی که یک خودرو را به همراه نوزاد داخل آن به سرقت برده بود در کمتر از نیم‌ساعت دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، عصر روز جمعه در شهرستان رشت فردی به قصد خرید یک فرآورشی را فروشگاه، خودرویش را در حالی که روشن بود و کودک ۹ ماهه اش نیز داخل آن بود ترک کرد اما وقتی بعد از چند دقیقه برگشت متوجه شد که خودرو به همراه کودکش به سرقت رفته است.

سرهنگ علی رضائی فرمانده انتظامی شهرستان رشت در این باره گفت: پس از اطلاع مأموران انتظامی از این سرقت، بلافاصله نیروهای انتظامی با اجرای طرح مهار و کنترل تمامی محوره‌های مواصلاتی اصلی و فرعی و با پراید سرعتی را در کمتر از نیم ساعت در بخش سنگر شناسایی و متهم را دستگیر کنند و کودک خردسال نیز در صحت و سلامت کامل به والدینش تحویل شد و رسیدگی به پرونده سارق ۵۰ ساله این پرونده در دستور کار پلیس قرار گرفت.

کلاهبرداری با پیش فروش واکسن کرونا

گروه حوادث/ تبلیغ برای فروش واکسن و هرگونه داروی کرونا در فضای مجازی غیرقانونی بوده و جرم تلقی می‌شود.

سرهنگ داوود معظمی گودزی، رئیس پلیس فتای تهران بزرگ در این باره به ایسا گفت: انتشار برخی آگهی‌ها در فضای مجازی با موضوع پیش فروش واکسن کرونا یا فروش داروهای آن به منزله تهدیدی برای سلامت افراد محسوب می‌شود و می‌تواند طور که بارها گفته و تأکید شده است، فروش هرگونه دارو در فضای مجازی ممنوع بوده و با عااملان آن برابر قانون برخورد خواهد شد.

وی ادامه داد: از زمان شیوع ویروس کرونا نیز در مواردی شاهد آن بودیم که افراد سودجو با انتشار آگهی در فضای مجازی ادعای فروش داروهای مربوط به کرونا را داشتند که این افراد از سوی پلیس شناسایی و دستگیر شده و در بازجویی از آنان مشخص شده که یا دارویشان تقلبی و جعلی بوده یا اینکه اصلا دارویی در کار نبوده و فقط به قصد سودجویی و کلاهبرداری دست به چنین اقدامی زده‌اند.

به تازگی نیز با توجه به حساسیت افکار عمومی و خبرهایی که در مورد واکسن کرونا منتشر شده این احتمال وجود دارد که افراد سودجو در پوشش پیش فروش واکسن یا فروش آن قصد کلاهبرداری از مردم را داشته باشند که لازم است شهروندان هوشیار باشند و البته پلیس نیز با چنین مواردی برخورد خواهد کرد.

گودزی گفت: همدار ما به شهروندان این است که به هیچ عنوان اقدام به خرید دارو از فضای مجازی نکنند چرا که چنین اقدامی غیرقانونی است. از طرف دیگر اگر با چنین آگهی‌هایی روبه رو شدند به هیچ عنوان فریب آن را نخورند چرا که یا داروی بی اثر و تاریخ مصرف گذشته به دستشان می‌رسد که احتمال مسمومیت با آن نیز وجود دارد، یا اینکه اصلا دارویی وجود ندارد و آگهی برای کلاهبرداری منتشر شده است.

- یکشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۹۹
- سال بیست و ششم
- شماره ۷۴۲۰

زن عصبانی بالنگه کفش مردی را کور کرد

گروه حوادث / زن جوان که به طرفداری از شوهرش با صاحبکار او درگیر شده و با لنگه کفش چشم وی را کور کرده بود به‌زودی در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه خواهد شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، حدود دو سال قبل مردی را که از ناحیه چشم مورد آسیب جدی قرار گرفته بود به بیمارستانی در شهر ری منتقل کردند. وی به کادر درمانی گفت که از سوی یک زن مورد حمله قرار گرفته و چشمش جایی را نمی‌بیند. بلافاصله موضوع به پلیس اعلام شد و دقایقی بعد مأموران برای تحقیق راهی بیمارستان شدند. مرد میانسال در تشریح ماجرا گفت: همسر یکی از کارگرانم با من درگیر شد و با پاشنه کفشش به چشمم کوبید. الان هم چشمم کور شده است.

وی در ادامه گفت: من یک کارگاه تولیدی داشتم اما به خاطر

گروه حوادث/ دو پرستار خانگی که به همدستی یکدیگر حدود یک میلیارد تومان اموال با ارزش خانه صاحبکارشان را سرقت کرده بودند از سوی پلیس دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، یکم تیرماه زنی جوان با مراجعه به کلانتری دریند گفت: چند ماه پیش به‌دلیل بیماری پدر و مادرم ۲ پرستار و یک خدمتکار زن استخدام کردم. پس از فوت پدرم با یکی از پرستاران تسویه حساب کردم اما چند روز بعد متوجه شدم اموال با ارزشی شامل تابلو فرش، طلاها، قالی ابریشم، وجه نقد، دلار، یورو... به با ارزش حدود ۱۰ میلیارد ریال از خانه سرقت شده است.سرهنگ «سید علی شریفی» رئیس پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران در تشریح این خبر گفت: وقتی پرونده به پایگاه یکم پلیس آگاهی ارسال شد کارآگاهان برای کشف سرخ‌نهایی از سرقت و چگونگی آن به خانه شاکی رفتند و چندین سرخ از سارق به دست آوردند. در تحقیقات پلیسی مشخص شد که پرستار زن به‌نام نادیا ۳۵ ساله با همکاری همدستش که احتمال داشت یکی از مستخدمان باشد سرقت را مرتکب شده است.ناهی‌د به دستور مقام قضایی بازداشت و برای

تعقیب و گریز مرگبار سارقان موتورسیکلت

گروه حوادث/ بی توجهی سارقان موتورسیکلت به دستور ایست پلیس بعد از یک تعقیب و گریز طولانی منجر به تیراندازی مأموران و مرگ یکی از سارقان شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، شامگاه چهارشنبه گذشته مأموران گشت کلانتری در غرب پایتخت، حین گشت به موتورسیکلت دو ترکی مشکوک شدند. مأموران به راکبین موتورسیکلت دستور ایست داده اما

آنها اقدام به فرار کردند. بدین ترتیب تعقیب و گریز آغاز شد و مأموران که موتورسواران را در فراری می‌دیدند پس از چندین بار هشداریست اقدام به تیراندازی کردند. در جریان این تیراندازی یکی از موتورسواران مجروح شد و مأموران موفق شدند همدست او را نیز دستگیر کنند.موتورسوار مجروح به بیمارستان منتقل اما ساعتی بعد تسلیم مرگ شد. همدست او که در



انبار که از سوی اتاق اصناف تهران توصیه شده تأکید کرده بود. ملکی با اشاره به موارد ایمنی برای انبار کتاب و مواد کاغذی ادامه داد: محل نگهداری کتاب و سایر کالا‌های مشابه به‌اصطلاح کند سوز هستند و آتش گرفتن یک کتاب در اتاق ۱۲ متری منجر به تولید دود زیادی می‌شود که تنفس را بسیار مشکل می‌کند؛ در این شرایط نباید بدون رعایت کمترین ایمنی تا سقف کتاب چیده شود. انبار‌های کتاب باید به سیستم اعلام و اطفای اتوماتیک، سیستم بارنده و هشدار دهنده و چند دستگاه خاموش‌کننده مجهز باشند.

عروس خانواده کارگردان کلیپ کودک معتاد در فضای مجازی بود

دستگیر کنید.

سرگرد یوسف شاکری رئیس پلیس فتای استان خراسان شمالی در تشریح این خبر گفت: پس از این شکایت بلافاصله پیگیری موضوع در دستور کار مأموران این پلیس قرار گرفت و پس از بررسی‌های تکمیلی مأموران، مشخص شد که فرد ناشناسی با ساخت صفحه‌های متعدد، اقدام به انتشار

فضای مجازی منتشر شده که او را در حال استعمال مواد مخدر نشان می‌دهد، این کلیپ در دسرهای زیادی برای خانواده‌ها موجود آورده و باعث واکنش‌های منفی از سوی کاربران شده است در حالی که چنین موضوعی صحت ندارد و فرزند من معتاد نیست، می‌خواهم هر چه سریعتر عامل ساخت و انتشار این کلیپ را شناسایی و

editorial@irannewspaper.ir

تلفن گروه حوادث: ۰۲۱ – ۸۸۷۶۱۶۲۱

جلوی در ایستاد من صاحبکارم را صدا زدم و گفتم که همسرم با تو کار دارد. ژلیا با دیدن او گفت باید همه پول را بدهد اما صاحبکارم قبول نکرد و با فحاشی و داد و فریاد سعی کرد ما را از آنجا بیرون کند. تا اینکه در یک لحظه زخم عصبانی شد و کفکشش را در آورد و ضربه‌ای به صورتش زد که این ضربه باعث کوری او شد.

این در حالی است که پزشکی قانونی گزارش داد، ضربه وارده به چشم چپ مرد به حدی سنگین بوده که چشم او را به کلی نابینا کرده است.

به این ترتیب و با توجه به تکمیل تحقیقات زن جوان برای بیان آخرین دفاع در مرحله دادرسا فراخوانده شد او گفت: ما زندگی سختی داشتیم اگر شوهرم بیکار

می‌شد حتی نان نداشتیم بخوریم من می‌خواستم با گرفتن حق و حقوق شوهرم حداقل سرمایه اندکی داشته باشیم تا کاری برای خودمان راه بیندازیم، اما نمی‌خواستم این اتفاق بیفتد و الان هم تقاضای عفو و بخشش دارم. با پایان جلسه بازپرسی و صدور کفبرخواست پرونده برای رسیدگی به شعبه ۷ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده و زن جوان به‌زودی محاکمه خواهد شد.

مرگ پسر عاشق در آتش الک

گروه حوادث/ همزمان با مرگ پسر جوان بر اثر سوختگی شدید با الک، دوست دختر او نیز که دچار سوختگی شده بود، مدعی شد که پسر جوان با ریختن الک روی هر دو نفرشان عامل این حادثه بوده است. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چندی قبل، مرگ جوانی بر اثر سوختگی به بازپرس جنایی پایتخت اعلام شد. به دنبال اعلام این خبر، تحقیقات آغاز شد و در بررسی‌های اولیه مشخص شد که ایمان، پسر ۲۴ ساله و دوست دخترش حدود ۵ روز قبل در حالی که دچار سوختگی شده بودند، به بیمارستان منتقل شده‌اند اما به خاطر اینکه درصد سوختگی ایمان بالا بود، وی جان باخت.

مادر ایمان در تحقیقات اولیه به مأموران گفت: پسرم ۵ سال قبل از شهرمان به تهران آمد و در خانه‌ای واقع در غرب تهران ساکن بود. اومغازه لوازم آرایشی دارد. چند روز قبل یکی از دوستانش با من تماس گرفت و گفت که پسرم تصادف کرده و از ما خواست خودمان را به تهران برسانیم. اما ساعتی بعد دوباره با من تماس گرفت و این بار گفت که پسرمد دچار سوختگی شده است. بلافاصله خودمان را به تهران رساندیم پسرمد در بیمارستان بستری بود اما مدام می‌گفت خوب می‌شوم و مشکلاتم را حل می‌کنم. فقط می‌دانم که مدتی است با دختری به نام المیرا دوست شده است.

■ **دستوشته عجیب**

در بازرسی از خانه پسر جوان دستوشته‌ای پیدا شد که داخل آن المیرا و ایمان به هم تعهد داده بودند که هیچ وقت به یکدیگر خیانت نکنند و المیرا با مهریه ۱۴ سکه طلا به عقد ایمان دربیاید.

اما همسایه‌ها در تحقیقات پلیسی از درگیری دختر و پسر جوان در روز حادثه خبر دادند و مدعی شدند زمانی که وارد خانه آنها شدند، ایمان و المیرا دچار سوختگی شده بودند که با اورژانس تماس گرفته و به بیمارستان منتقل شده‌اند.

■ **تهدید به مرگ**

المیرا که او نیز در این ماجرا دچار سوختگی شده بود، پس از بهبودی در تحقیقات گفت: دوسال قبل برای خرید لوازم آرایش به مغازه ایمان رفته بودم که با او آشنا شدم. بعد از مدتی دوستی منوجه شدم که از نظر روحی مشکل دارد. او دست بزن داشت و چندین بار مرا کتک زده بود.

او ادامه داد: چند باری از من خواستگاری کرد اما هر بار به او پاسخ منفی دادم و زمانی که او با جواب منفی من مواجه شد، آزار و اذیت‌هایش را بیشتر کرد. زمستان سال گذشته به دوستی‌ام با ایمان پایان دادم اما او دست‌بردار نبود و مدام پیام می‌فرستاد. روز حادثه نیز به بهانه تولدم، مرا به خانه‌اش دعوت کرد اما فقط چند ساعت بعد دوباره دعوایمان شد. صدای داد و فریاد ما، باعث شد مدیر ساختمان متوجه شود و زنگ خانه را به صدا درآورد. اما ایمان گفت موضوع شخصی است و به ناچار مرد میانسال رفت. او مرا تهدید به مرگ کرده و گفته بود اگر با او ازدواج نکنم، مرا به قتل می‌رساند و به عراق فراری می‌کند.

دختر جوان ادامه داد: ایمان ظرف الک دویلتری که داخل خانه بود را روی خودش و من ریخت. فندک را کشید و هر دویمان آتش گرفتیم. با سر و صدای ما، همسایه‌ها آمدند اما قبل از رسیدن آنها خودمان را خاموش کردیم. ۵ روزی که ایمان در بیمارستان بستری بود، مدام از طریق پرستارها به من پیام می‌داد. حتی چند باری هم به من زنگ زد و پیامک داد و ابراز پشیمانی و بخشش کرد.

با اظهارات دختر جوان، تحقیقات در رابطه با این پرونده به دستور بازپرس ساسان غلامی از شعبه سوم دادرسی امور جنایی پایتخت ادامه دارد.

این کلیپ در شبکه اجتماعی اینستاگرام کرده است.

مأموران پس از تحقیقات تکمیلی متوجه شدند که عروس خانواده اقدام به ساخت و انتشار این کلیپ کرده‌ووی با دستور مقام قضایی بازداشت شد.

متهم پس از دستگیری دربارہ انگیزه و هدف خود از این اقدام گفت: با توجه به

اینکه این کودک از اعتماد من مطلع شده بود او را مجبور کردم تا مواد مخدر مصرف کند و همزمان هم از او فیلمی تهیه و تهدیدش کردم که اگر به برادر بزرگ‌تر تو یا پدرش از این ماجرا حرفی بزند کلیپ را در فضای مجازی منتشر خواهم کرد، با این حال چون با خانواده همسرم اختلاف داشتم کلیپ را منتشر کردم.